

عبدالطیف کشیش که سال ۲۰۱۳ برای فیلم «زندگی ادل» نخل طلایی جشنواره فیلم کن را دریافت کرد برای تامین هزینه‌های فیلم تازه‌اش، نخل طلا را به همراه چند تابلوی نقاشی به کار رفته در فیلم خواهد فروخت. فیلم جدید کشیش با عنوان «مکتوب، عشق من» به دلیل مشکلات مالی در مرحله پس‌تولید متوقف شده است. در بیانیه‌ای به این منظور آمده است: «برای جمع‌آوری هزینه مورد نیاز برای تکمیل فرایند پس تولید بدون تاخیر بیشتر، شرکت تولید و توزیع فرانسوی «کواتسو» برخی از اشیای مربوط



دیدگاه خود را در مورد این قرآنی به پیام کوتاه ارسال کنید ۰۰۱۴۱۳۸



به آثار سینمایی عبدالطیف کشیش را حراج می‌کند. این اشیای شامل نخل طلایی جشنواره سال ۲۰۱۳ و تابلوهای نقاشی به کار رفته در فیلم «زندگی ادل» می‌شود. کارگردان تونسسی «زندگی ادل» هنوز درباره این عمل جنجالی هیچ اظهارنظری نکرده است. هر چند که چندان با جنجال درست کردن بیگانه نیست. «زندگی ادل» یکی از جنجالی‌ترین برندگان نخل طلای جشنواره فیلم کن به شمار می‌رود. اندک زمانی پس از پایان جشنواره فیلم

«بیست زخم کاری» با بیست صحنه پردازی عالی

## حسینی زاد به جای نوشتن با کلمات نقاشی کرده است

■ **«بیست زخم کاری» رگه‌هایی از ادبیات کلاسیک ایران را به نمایش می‌گذارد، رگه‌هایی از زیباترین ساحت ادبیاتی که وصف، استوارترین پایه آن است**  
 ■ **حسینی زاد در جایی از داستان نه ریسک که سرمایه‌گذاری می‌کند روی توان و شجاعت زنی که در داستانش همه کاره است و اما هیچ کس به عنوان موجودی مزاحم یا مغرور نگاهش نمی‌کند**

را بگذاریم کنار این بخش از داستان «بیست زخم کاری»: «تنگه ی پیچ در پیچ طولانی و رودخانه و آبشار را که هروقت از کنارش می گذشتند انگشت ها فرو می رفتند توی پارچه، ردیف دکه‌های پیراهن مالکی بالا و پایین می رفت، از ضربه ای که قلب به جدار سینه می زد، رئیس هیئت نروژی آرام رفت به طرف مالکی و آرام صدایش زد و آرام دستش را گذاشت روی شانه ی او که پرده از جا کنده شد. مخمل سبز سنگین ریخت زمین. نروژی خود را کشید کنار و مالکی قدمی عقب گذاشت. گوشه پرده هنوز دستش بود. غباری بلند شد.» خواننده مجبور است بهت زده! چندین و چند بار این چند سطر را مرور کند و تازه در می‌یابد این ترنم تکراری آرام، آرام با آن هیاهوی پرده از جا کنده شش! چه غوغایی بوده در دل کاراکتر اصلی داستان که نویسنده زیرکانه نه از او قهرمان می‌سازد نه از او ضد قهرمان! سمیرا کمک می‌کند مالکی نه قهرمانه اسیر دیو بدسیرت خشم و تلافی شود و نه اجازه می‌دهد مالک داستان ناگهان در چاهی به ته و پایان به عنوان شخصیتی منفی و ضدقهرمان سقوط کند. نویسنده حرمت آدم‌های داستانش را نه با کلمات که با خلق موقعیت و آفرینش تصاویری بکر! نگاه می‌دارد.

### حضور هوشمندانه زن در داستانی سراسر مردانه!

حسینی زاد نه با اصرار که با هوشمندی، با وجودی که زن‌های زیادی در داستانش حضور دارند اما او تنها و تنها به یک شخصیت بهای بیشتر و زیرکانه تری می‌دهد؛ سمیرا همسر مالک یا مالکی! او در این داستان از همه خواص زنانه، کمال طلبی مرد در کنار مهربانی کمک کننده زن را به تصویر می‌کشد و خیلی زود تکلیفش را با این بعد ماجرا روشن می‌کند: «به حرف زنت گوش کن. حرفش حساب!» و این را یک زن کولی دوره‌گرد فالگیر ترجمه محمد قاضی و دیگر روانی کلام در پس سال‌ها آموختن در مکتب ادبیات غنی کلاسیک ایران زمین، که با ممارست و مداومت می‌توان دریافت که نقش مقدمه‌ها و دیباچه‌هایی همچون گلستان و کلیله و دمنه و چهارمقاله و... چه بسیار بر این ترجمه سایه افکند و چون فصلی از داستان «بیست زخم کاری» را مطالعه کردیم بر آن شدیم تا با عینک تاریخ بیهقی خوانی این داستان را عمیق‌تر بنگریم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که نویسنده – سید محمود حسینی زاد هم بیهقی را خوب می‌شناسد و هم تاریخ تکرار نماندنی او را که تنها بهای اندک از آن به دست ما رسیده است: «... و حسنگ را به پای دار آوردند. نمود باله من قضاء السوء. و پیکان را ایستادانیده بودند که از بغداد آمده اند. قرآن خوانان قرآن می‌خوانند. حسنگ را فرمودند که «جامه بیرون کش» وی دست اندر زیر کرد و ازار بند استوار کرد، و پایچه‌های ازار را ببست، و جبه و پیراهن بکشید و دور انداخت با دستار، و برهنه با ازار بایستاد، و دستها درهم زده، تنی چون سیم سفید و رویی چون صدهزار نگار و همه خلق به درد می‌گریستند. خودی، روی پوش اهنی آوردند، عمدا تنگ، چنان که روی و سرش را نبوشیدی. و آواز دادند که سر و رویش را ببوشید تا از سنگ تباه نشود، که سرش را به بغداد خواهیم فرستاد نزدیک خلیفه و حسنگ را همچنان می‌داشتند و او لب می‌جنبانید و چیزی می‌خواند تا خودی فراخ تر او روند و در این میان احمد جامه دار بیامد سوار، و رویش به حسنگ کرد و پیغامی گفت: که «خداوند سلطان می‌گوید: این از روی توست که خواسته بودی» که چون پادشاه شوی ما را بر دار کنی. ما بر تو رحمت خواستیم کرد، اما امیرالمومنین نبشته است که تو قرمطی شده ای و به فرمان او «بر دار می‌کنند». حسنگ البته هیچ پاسخ نداد. پس از آن، خود فراخ تر که آورده بودند، سر و روی او را بدان ببوشانیدند. پس آواز دادند او را که «بدو! دم نزد و از ایشان نپندشید. هر کس گفتند: «شرم ندرید، مرد را که می‌بکشید به دار، چنین کنید و گوید!» و رویش خواست که شوری بزرگ به پای شود. سواران سویی عامه تاختند و آن شور نبشاندند. و حسنگ را سوی دار بردند و به جایگاه...» این فراز کوتاه از داستان حسنگ وزیر، نقل شده لا به لای تاریخ بیهقی

نویسنده‌هایی است که دستش را رو نمی‌کنند نه برای خودش! نه برای خواننده‌اش! در داستان «بیست زخم کاری» اگرچه خواننده تنها رها نمی‌شود وسط یک مشت آدم گرگ صفت اما اصل ماجرا پیچیده در ابهامی عجیب به انتها می‌رسد، این داستان شاید اگر پای کیش و دویی و برخی کشورهای اروپایی به میان می‌آید؛ داستان در فضایی جریان دارد که به خودی خود دلپره آور است و در عین حال خاطره آفرین و آشنا به ذهن. نویسنده در توصیف جغرافیا فقط به دلپره‌های طبیعی می‌پردازد و چندان خود را گرفتار خال و خط و ابرو نمی‌کند، از نغمه بلبلان مست و صدای دل‌کش موج نمی‌سراید اما از قور قور قورباغه و خش خش برگ غافل نمی‌شود. داستان پر از باران و مه و ابر، از حوادثی که تا می‌آیی به رخ دانش عادت کنی از تو فاصله می‌گیرد. داستان پر است از آدم‌هایی که یا به این طبیعت بکر تعلق خاطر ی ندارند و یا فرصت لذت بردن پیدا نمی‌کنند و این یعنی نویسنده با زیرکی هر خط تماش تر، جغرافیای داستان را در خدمت اهداف خود قرار داده است.

### جغرافیای داستان در خدمت اهداف نویسنده!

دره، کوه، ویلا، دریا، تاریکی، جاده‌های پیچ در پیچ، دیواره‌هایی از کوه و... داستان در فضایی این چنین تکرار می‌شود؛ به جز مواردی که پای کیش و دویی و برخی کشورهای اروپایی به میان می‌آید؛ داستان در فضایی جریان دارد که به خودی خود دلپره آور است و در عین حال خاطره آفرین و آشنا به ذهن. نویسنده در توصیف جغرافیا فقط به دلپره‌های طبیعی می‌پردازد و چندان خود را گرفتار خال و خط و ابرو نمی‌کند، از نغمه بلبلان مست و صدای دل‌کش موج نمی‌سراید اما از قور قور قورباغه و خش خش برگ غافل نمی‌شود. داستان پر از باران و مه و ابر، از حوادثی که تا می‌آیی به رخ دانش عادت کنی از تو فاصله می‌گیرد. داستان پر است از آدم‌هایی که یا به این طبیعت بکر تعلق خاطر ی ندارند و یا فرصت لذت بردن پیدا نمی‌کنند و این یعنی نویسنده با زیرکی هر خط تماش تر، جغرافیای داستان را در خدمت اهداف خود قرار داده است.

### حسینی زاد خاطره بازی نمی‌کند داستان سرایی نیز نه!

«بیست زخم کاری»، خاطره بازی نیست، پیچیده تر از خاطره بازی است! «بیست زخم کاری» داستان سرایی نیز نیست که اگر قرار بود داستان باشد باید صحنه قتل‌ها توصیف می‌شد، جان ستان‌ها و جان دادن‌ها، خون نقشی در داستان ندارد مگر در جاهایی که حال خواننده بد نمی‌شود! اگر نه خاطره بازی و نه داستان سرایی، پس چه؟ این از هنرهای منحصر به فرد حسینی زاد است که اهل کنکاش است، به درون می‌نگرد، از قتل صحنه‌سازی نمی‌خواهد. او از قتل به دنبال نتیجه‌ای شگرف می‌گردد. داستان نویسی که با آثار فاخر آلمانی زبان دست و پنجه نرم کرده به خوبی یاد گرفته که قضاوت در دایره وظایف نویسنده نمی‌گنجد پس او در داستان‌های دنبال قهرمان سازی و ضد قهرمان بازی نیست. او همه آدم‌های داستانش را رها کرده در کوچه پس‌کوچه‌های ذهن خواننده که آزادانه ولل بخورند، تلاش کنند، نقشه بکشند و در نهایت به مقدراتی که برایشان ترسیم شده‌ان در دهند، او حتی در پایانی ترین بخش داستان هم می‌کوشد به خواننده آرامش بدهد که این‌هایی که خوانده، یا خواهد خواند بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر است که در ذهن نویسنده و خواننده به اشتراک گذاشته شده است: «خوی، دلم می‌خواد با هم کار کنیم. من مثل مالک در حقت نامری نمی‌کنم. مالک دیگه نمی‌کشه. حیف این معامله. خودم و خودت. دوتایی، نه توگو، می‌دونن که من توی هر کاری اوستام. الا کنار اومدن و سرر و کله زندن با فرنگی جماعت، تو باید ترتیب اونا رو بدی...»

### سمیرا! مکمل یا جعبه سیاه؟!

داستان «بیست زخم کاری»، داستانی است که یک جعبه سیاه بیشتر نباید داشته باشد اما درست در بزنگاه حادثه، سمیرا نقشش رو درست ایفا می‌کند و فرمان به دست شوی می‌دهد. در یک مکالمه عجیب و غریب، نقشه ذهنی قتل کشیده می‌شود. اجرا می‌شود، و حتی پلیس هم از اصل ماجرا بویی نمی‌برد.

### بازگردیم به ابتدای همین نوشتار:

«نوشتن درباره کتابی که نویسنده اش را دیرسالی است که می‌شناسی، نویسنده‌ای که چندین سال است با سه گانه او دست و پنجه نرم می‌کنی و نویسنده‌ای که ترجمه آن آلمانی او را بارها خوانده‌ای، اندکی سخت است! سخت نه به آن دلیل که علقه‌ها و پیوندها مانع شوند نه! بلکه سخت از آن جهت که تمرکز بر متن بدون در نظر گرفتن مشخصه‌های فردی نویسنده شاید اندکی نگاه را دچار تردید و دوگانگی نماید.» این را از آن جهت گفتیم که می‌دانیم حسینی زاد از آن دست

## «ماجرای نیمروز» در نمایش خانگی

نسخه نمایش خانگی فیلم «ماجرای نیمروز» به زودی توزیع خواهد شد. البته سازندگان فیلم در تلاش‌اند نسخه ویدئویی این فیلم را برای اید فطر وارد بازار کنند. به گزارش خبر آنلاین، در خلاصه داستان آخرین فیلم مهدویان آمده است: در محله‌های پر آشوب تهران، در پیچ‌پیچ خیابان‌ها و کوچه‌ها و در بستوی خانه‌ها سرگردان و حیران. آیا این جستجو را فرجامی هست؟

### کوتاه از هنر

#### «هنگ عنبر ۲» ۱۰ میلیاردی شد

هفته گذشته فیلم سینمایی «هنگ عنبر ۲» در جدول فروش هفتگی سینمای ایران به باشگاه ۱۰ میلیاردی‌ها پیوست. به گزارش سینماسینما، این فیلم در کمتر از ۲۴ روز به این رقم رسیده که در نوع خود رکوردی تازه محسوب می‌شود.

#### «اسرافیل» پاییز می‌آید

مستانه مهاجر، تدوین‌گر و تهیه‌کننده سینما در خصوص آخرین وضعیت اکران «اسرافیل» گفت: «این فیلم پاییز اکران می‌شود و بخش‌کننده آن هدایت فیلم است.» به گزارش باشگاه خبرنگاران، «اسرافیل» به کارگردانی آیدا پناهنده درامی درباره چالش‌ها و نیازهای عاطفی و روابط انسانی است.

#### جایزه بلیز برای «آلدرمن»

«ایوومی آلدرمن» با رمان علمی تخیلی «قدرت» برنده جایزه ادبیات داستانی بلیز زنان شد. کتاب آلدرمن آبندای را پیش‌بینی می‌کند که در آن زنان از قدرتی ماورایی برخوردار هستند. به گزارش خبر آنلاین، آلدرمن جایزه نقدی ۳۰ هزار پوندی بلیز را چهارشنبه ۱۷ خرداد در لندن دریافت کرد. او هنگام دریافت جایزه گفت: «پشتیبانی و قدرتمند کردن زنان از الکتریسته هم حیاتی‌تر است و ضرورت بیشتری دارد.»

#### علیدوستی به ژان رفت

از ۶ تا ۱۰ ژوئن ۴ فیلم از مجموعه آثاری که ترانه علیدوستی در آنها بازی کرده است در توکیو ژاپن به نمایش می‌آید. در این مراسم فیلم‌های «هن، ترانه، ۱۵ سال دارم»، «پذیرایی ساده»، «درباره‌الی» و «فروشنده» به نمایش می‌آید و بعد از نمایش آنها ترانه علیدوستی با مخاطبان گفتگو می‌کند. به گزارش ایلنا، همچنین در حاشیه این برنامه ترانه علیدوستی با شبکه خبری «ان‌اچ‌کی» ژاپن درباره سینمای ایران گفتگو و مصاحبه کرده است.

#### جایزه برای «نفس» و «وارونگی»

در سومین جشنواره فیلم‌های ایرانی زوریخ فیلم «وارونگی» به کارگردانی بهنام بهزادی جایزه بهترین فیلم و «نفس» به کارگردانی نرگس آبیاری جایزه تماشاگران را دریافت کردند. به گزارش ایسنا، همچنین سومین جشنواره فیلم مادرید که از ۱۸ تا ۲۷ خرداد در حال برگزاری است، بخش ویژه سینمای کم‌دی ابزورد ایران را برپا داشته و چهار فیلم «آبادان»، «کارگران مشغول کارند»، «پذیرایی ساده» و «زدها وارد می‌شود» را با حضور مانی حقیقی و فیلم‌های «سامی و گربه»، «جابه‌نشین‌ها»، «همان مامان» و «مادر قلب اتمی» را در این بخش به نمایش می‌گذارد.

#### سینمای ایران در «سیاتل»

جشنواره فیلم «سیاتل» میزبان آثار مختلفی از سینمای ایران است. چهل و سومین جشنواره فیلم «سیاتل» که یکی از طولانی‌ترین جشنواره‌های سینمایی دنیا است، از ۲۸ اردیبهشت تا ۲۳ خرداد در آمریکا در حال برگزاری است. به گزارش ایسنا، فیلم‌های «طعم گیلاس» (عباس کیارستمی)، «زدها وارد می‌شود» (مانی حقیقی)، «وارونگی» (بهنام بهزادی)، «غلام» (میترا تهریزیان- محصول مشترک ایران و انگلستان با بازی شهاب حسینی که در لندن فیلمبرداری شده است)، «پیشخدمت» (فرنوش عبدی) و «آنسو دیگرت» (نینا ضرابی) در این رویداد حضور دارند.

#### گیارستمی در رومانی

شانزدهمین جشنواره فیلم «ترانسیلوانیا» از ۱۲ تا ۲۱ خرداد در شهر کلوج رومانی برپا شد. جشنواره فیلم «ترانسیلوانیا» فیلم «تمازش» ساخته عبد البست را در بخش مسابقه و «چاو دانگی» ساخته مهدی فرد قادری را در بخش خارج از مسابقه به همراه دو فیلم «منو خونه بیسر» و «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» ساخته سیفاله صمدیان را در برنامه بزرگداشت عباس کیارستمی به نمایش خواهد گذاشت. به گزارش ایسنا، گفته می‌شود این رویداد یکی از معتبرترین جشنواره‌های سینمایی شرق اروپاست.

#### چه خبر از «حالا خورشید»؟

علی اصغر پورمحمدی درباره دلایل بخش‌نشدن برنامه «حالا خورشید» بیان کرد که مهمترین مسئله بیماری خود رشیدپور بوده و همچنین مسائل مالی موجب این امر شده است. مدیر شبکه ۳ ادامه داد: تیم این برنامه اکنون به نوعی مشغول هستند تا آن‌شاء الله بتوانند به زودی روی آنتن بروند. به گزارش مهر، برنامه «حالا خورشید» با اجرای رضا رشیدپور سال گذشته از شبکه ۳ روی آنتن رفت و قرار بود امسال نیز دوباره پخش شود که هنوز خبری از آن نشده است.



### داستان «بیست زخم کاری» اگرچه خواننده تنها رها نمی‌شود وسط یک مشت آدم گرگ صفت اما اصل ماجرا پیچیده در ابهامی عجیب به انتها می‌رسد، این داستان شاید اگر رسم رمان‌های چندین جلدی منسوخ نشده بود تا خود قیامت می‌توانست ادامه پیدا کند

نه، گمون کنم لطف سرکار حالی به حالی اش کرده. حالا چطور شد آدم حسابش کردی؟ از پسرهام برام عزیزتر، عصای دستمه حمال خودمه بادت رفت!

جواب متلک هات باشه برای بعد. بعد؟ تو که داری می‌ری لندن. بالاخره اون طرف‌ها پیدات می‌شه. ما رو راه نمی‌دن. حداکثرش دویی و مالزیه ریز آبادی گفت تو که از اون جاها می‌آی، ما تازه راهش رو یاد گرفتیم... سکوت کرد و بعد گفت آپارتمانم رو یادته؟ هنوز نگهش داشتیم. این جای ماجرا مهمم است. گنگ گنگ است و داستان پرتابی می‌شود در یک گذشته عاشقانه یا رابطه‌ای توأم با خیانت و...

«بر که غلیظ شد و مالکی که دیگر استخر را ندید و چمن‌ها و نرده‌ها و ستون‌های تراس را ندید و دست بیخ زده روی زانوی خسیش را هم ندید. ابر که غلیظ شد و درخت‌ها انگار هیکل‌های آدمیزادگانی شدند بین کپه‌های ابر، صدای چرخ‌های اتومبیلی را روی برف شنید و صدای باز و بسته شدن درهای اتومبیل را شنید و صدای خرد شدن چمن‌های بیخ زده زیر گام‌های سنگین چندپایی که ابر غلیظ را می‌شکافتند.» و این همان دستی است که رو نمی‌شود و مشتکی که باز...

■ **داستان «بیست زخم کاری» اگرچه خواننده تنها رها نمی‌شود وسط یک مشت آدم گرگ صفت اما اصل ماجرا پیچیده در ابهامی عجیب به انتها می‌رسد، این داستان شاید اگر رسم رمان‌های چندین جلدی منسوخ نشده بود تا خود قیامت می‌توانست ادامه پیدا کند**